

رویکردهایی به تاریخ تفسیر قرآن

مجموعه مطالعات اسلامی | ۲۳ | مطالعات قرآن و حدیث | ۵



مطالعات قرآن و حدیث

دبیر مجموعه

مهرداد عباسی (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات)

این مجموعه با رویکردی آکادمیک و مطابق با معیارهای پژوهشی امروز در پی عرضه تصویری واقعی از پیش فرض‌ها، مسئله‌ها، روش‌ها و دیدگاه‌های جدید در مطالعات قرآن و حدیث و نمایاندن رهیافت‌ها و چشم‌اندازهای نوین مطالعات اسلامی به پژوهشگران و علاقه‌مندان شاخه‌های گوناگون علوم انسانی و اجتماعی است.



۱ رهیافت‌هایی به قرآن (۱۳۸۹)

مجموعه مقالات ویراسته جerald هاوتینگ؛ به‌کوشش و ویرایش مهرداد عباسی

۲ شفاهی و مکتوب در نخستین سده‌های اسلامی (۱۳۹۳)

مجموعه مقالات نوشته گریگور شولر؛ ترجمه نصرت نیل‌ساز

۳ قرآن و زن: بازخوانی متن مقدس از منظر یک زن (۱۳۹۳)

نوشته آمنه ودود؛ ترجمه اعظم پویا و معصومه آگاهی

۴ تاریخ‌گذاری حدیث: روش‌ها و نمونه‌ها (۱۳۹۴)

مجموعه مقالات گروهی از محققان؛ به‌کوشش و ویرایش سیدعلی آقایی

۵ رویکردهایی به تاریخ تفسیر قرآن (۱۳۹۴)

مجموعه مقالات ویراسته اندرو ریپین؛ به‌کوشش و ویرایش مهرداد عباسی

۶ تفاسیر صوفیانه قرآن از سده چهارم تا هشتم هجری (در دست انتشار)

نوشته کریستین سندز؛ ترجمه زهرا پوستین‌دوز

۷ پیامبران عهدین در قرآن و منابع اسلامی (در دست انتشار)

نوشته روبرتو توتولی؛ ترجمه مهرداد عباسی و راحله نوشاوند

فهرست

| | |
|----|--|
| ۱۱ | پیش‌گفتار ترجمه فارسی |
| ۲۳ | یادداشت ویراستار انگلیسی برای خواننده ایرانی |
| ۲۵ | معرفی نویسندگان |
| ۳۱ | اختصارات منابع لاتین |
| ۳۳ | مقدمه |

اندرو ریپین / مهرداد عباسی

الف) شکل‌گیری و تحولات تفسیر

| | |
|-----|---|
| ۴۵ | ۱. خاستگاه‌ها و نخستین تحولات سنت تفسیر فرد لیمهاوس / نصرت نیلساز |
| ۶۹ | ۲. ارزش قرائات حفص و ورش برای تاریخ متن قرآن ادرین براکت / راحله نوشاوند |
| ۸۹ | ۳. هرمنوتیک قرآن از نگاه طبری و ابن‌کثیر جین مک‌اولیف / مهرداد عباسی |
| ۱۰۹ | ۴. احادیث تفسیری در کتب سته مارستن اسپیت / سیدعلی آقایی |
| ۱۳۱ | ۵. افسانه‌ها در منابع تفسیر و حدیث: خلقت آدم و داستان‌های مرتبط مئیر قسطر / مهرداد عباسی |

ب) گونه‌های تفسیر

| | |
|-----|---|
| ۱۷۱ | ۶. گونه تفسیری «ناسخ و منسوخ قرآن» دیوید پاورز / سعید عدالت‌نژاد |
|-----|---|

۱۰ رویکردهایی به تاریخ تفسیر قرآن

- ۲۰۱ ۷. تفسیر بلاغی قرآن: اعجاز و موضوعات مرتبط
عیسی بلاطه / مهرداد عباسی
- ۲۲۵ ۸. متون واژه‌نگاری و قرآن
اندرو ریپین / مهرداد عباسی

ج) فرقه‌ها و تفسیر

- ۲۴۷ ۹. قرآن ناطق و قرآن صامت: پژوهشی در اصول و تحولات تفسیر شیعه امامیه
محمود ایوب / محمدحسن محمدی مظفر
- ۲۷۱ ۱۰. تأویل قرآن از نگاه اسماعیلیه
اسماعیل پوناوالا / محمدحسن محمدی مظفر

د) گرایش‌های جدید در تفسیر

- ۳۰۱ ۱۱. تفهیم القرآن ابوالاعلی مودودی
چارلز آدامز / مژگان آقایی گندمانی
- ۳۲۱ نمایه

پیش‌گفتار ترجمه فارسی

۱

خرسندم که با انتشار کتاب پیش رو پنجمین شماره از مجموعه «مطالعات قرآن و حدیث» در اختیار خوانندگان و علاقه‌مندان مطالعات اسلامی قرار می‌گیرد. این مجموعه، که چندی پیش به لطف دوستانم در انتشارات حکمت شکل گرفت، قصد دارد تا مبناها، مسئله‌ها، روش‌ها و دیدگاه‌های جدید در مطالعات آکادمیک قرآن و حدیث را معرفی کند و رویکردها و چشم‌اندازهای نو در مطالعات اسلامی را نشان دهد.

از میانه قرن نوزدهم میلادی، مطالعات اسلامی به‌طورعام و مطالعات قرآنی به‌طورخاص به‌مثابه رشته‌ای آکادمیک در غرب پدیدار شد و به‌تدریج جریانی سر برآورد که بنا داشت فارغ از ملاحظات کلیسایی و انگیزه‌های قرون وسطایی و در قالب پژوهش بی‌طرفانه و غیرجدلی به شناخت اسلام و کتاب مقدس مسلمانان پردازد. با گذشت حدود یکصد و پنجاه سال از آن زمان، مطالعات اسلامی و قرآنی غربیان از حیث کمی و کیفی پیشرفت چشمگیری داشته و به یکی از بانشاط‌ترین و پررونق‌ترین دوره‌های خود رسیده است. از اواخر قرن بیستم میلادی به این سو، کتابخانه مطالعات اسلامی در غرب با سرعتی فزاینده در حال گسترش است و فقط در حوزه مطالعات قرآنی سالانه حدود ده‌ها عنوان کتاب و مقاله در اروپا و آمریکا انتشار می‌یابند و به غنای این کتابخانه می‌افزایند. پیش‌تر در پیوند با ضرورت توجه به مطالعات قرآنی

در غرب، به‌ویژه مطالعات این چند دهه اخیر، نکاتی را برشمرده‌ام.^۱ با این حال، در اینجا مایلیم بر این نکته تأکید کنم که برای ایجاد تحول در مطالعات قرآنی و ارتقای کیفی پژوهش‌های این حوزه به زبان فارسی راهی جز شناخت و بررسی مطالعات قرآنی در عرصه بین‌المللی نیست. از طریق مطالعه این آثار از یک سو می‌توان به اهمیت روش‌مندی علمی و پایبندی به قواعد پژوهشی پی برد و از دیگر سو می‌توان دریافت که آشنایی با زبان‌های سامی و ادبیات یهودی-مسیحی و نیز شناخت تاریخ عرب پیش از اسلام و دوران باستان متأخر تا چه اندازه در عرضه تحقیقی معیار تأثیرگذارند. اگرچه بی‌تردید برای بررسی مطالعات قرآنی غربیان بهترین کار مطالعه این آثار به زبان اصلی است، نقش ترجمه را در انتقال مسئله‌ها، روش‌ها و دیدگاه‌های علمی نباید نادیده انگاشت. مجموعه «مطالعات قرآن و حدیث» در پی آن است تا از طریق ترجمه برخی از آثار شاخص غربی در حوزه قرآن و حدیث، که عمده آنها در اروپای غربی و آمریکای شمالی تدوین و منتشر می‌شوند، سهمی ناچیز در بازتاباندن این پژوهش‌ها در جامعه فارسی‌زبان داشته باشد. بر این باورم که یکی از مهم‌ترین معضلات در فضای مطالعات قرآنی جامعه امروز ما فقدان مسئله پژوهشی و نبود انگیزه کافی برای فعالیت علمی و آکادمیک است. ترجمه آثار غربیان خواهد توانست مسئله‌هایی جدید فراروی محققان جوان ما قرار دهد و از این طریق برای پژوهش‌های آنان در پیوند با آن مسئله‌ها ایجاد انگیزه کند. بدین ترتیب، موضوعات گوناگون مرتبط با مطالعات قرآنی بسط و گسترش خواهند یافت و راه را برای دستیابی به وضعی مطلوب‌تر در مطالعات اسلامی هموار خواهند کرد. پروژه ترجمه فارسی *دائرة المعارف قرآن* - که از سال‌ها پیش آغاز شده و تا کنون سه جلد آن انتشار یافته - نیز با همین هدف در انتشارات حکمت در حال انجام است. چاپ این *دائرة المعارف* به زبان انگلیسی در نخستین سال‌های قرن بیست و یکم را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ

۱. از جمله بنگرید به مصاحبه نگارنده با روزنامه *اعتماد* که با این مشخصات منتشر شده است: «قرآن پژوه غیرمسلمان باید منصف و آگاه باشد»، *اعتماد*، سال دوازدهم، ش ۳۰۶۲، ۲۷ شهریور ۱۳۹۳، ص ۱۲.

مطالعات قرآنی در غرب دانست. این دائرةالمعارف، در مجموع، نمونه‌ای گویا از رویکرد آکادمیک غربیان در مطالعات قرآنی و حاکی از نگاه همدلانه آنان به موضوعات مختلف این حوزه است و ترجمه آن می‌تواند تا حد زیادی اهداف مجموعه را برآورده سازد.^۲ امیدوارم برآیند این تلاش‌ها گامی به جلو در مسیر تثبیت گفتمانی آکادمیک در مطالعات قرآنی به زبان فارسی باشد.

۲

در میان پژوهش‌های گوناگون درباره جنبه‌های مختلف قرآن، مطالعه تاریخ تفسیر قرآن برای محققان حوزه مطالعات قرآنی، چه در جهان اسلام و چه در محافل غربی، همواره جذاب بوده است. در سنت اسلامی، اگرچه توجه به تاریخ تفسیر و بیان اصول و قواعد تفسیر قرآن از سده‌های دور و در قالب آثاری با عناوینی چون «طبقات المفسرین» و «اصول التفسیر» سابقه داشته است، آغاز تلاش‌های جدید و منسجم برای تحلیل تاریخی و روش‌شناختی تفاسیر قرآن را باید به حدود نیمه قرن بیستم میلادی و تألیف آثاری چون *التفسیر و المفسرون* محمدحسین ذهبی (د. ۱۹۷۷) بازگرداند. ذهبی در این کتاب، که در اصل رساله دکتری‌اش بود و در ۱۹۴۶ در دانشکده اصول‌الدین دانشگاه الازهر از آن دفاع کرد، کوشید تا علاوه بر عرضه بحثی مبسوط درباره تکوین و تطور تفسیر قرآن، روش‌ها و گرایش‌های مفسران فرقه‌های مختلف اسلامی از آغاز تا دوره معاصر را معرفی و نقد کند. در همین سال‌ها بود که امین خولی (د. ۱۹۶۶)، نواندیش مصری، نیز تکمله معروفش را بر مقاله «تفسیر» چاپ اول *دائرةالمعارف اسلام* نوشت. خولی در بخش آغازین این تکمله مهم و اثرگذار، که بعدها در قالب کتابچه‌ای منتشر شد، تاریخ پیدایی

۲. درباره ویژگی‌های این دائرةالمعارف و ترجمه فارسی آن بنگرید به مصاحبه و مقاله نگارنده به ترتیب با این مشخصات: «رویکرد آکادمیک با نگاهی همدلانه»، *مهرنامه*، سال چهارم، شماره ۳۰، مرداد ۱۳۹۲، ص ۲۶۴-۲۶۶؛ «دائرةالمعارف قرآن یا ترجمه ای کیو: به سوی تثبیت گفتمان آکادمیک در مطالعات قرآنی به زبان فارسی»، کتاب *ماه دین*، سال شانزدهم، شماره پیاپی ۱۹۲، مهر ۱۳۹۲، ص ۲۸-۳۷.

تفسیر از دوره صحابه تا دوره جدید را به اختصار مرور کرد و از این رو، این تألیف هر چند مختصر را نیز می‌توان الهام‌بخش آثار بعدی در نظر گرفت. از آن سال‌ها تا به امروز، در جهان اسلام، آثار فراوانی با موضوع معرفی، تحلیل و نقد روش‌ها و گرایش‌های تفسیر قرآن به زبان‌های عربی و فارسی منتشر شده‌اند.^۳

در سوی دیگر، در فهرست مطالعات قرآنی غربیان در یکصد سال اخیر نیز تفسیرپژوهی جایگاهی ویژه داشته و مطالعات تفسیری بخش مهمی از این مطالعات را به خود اختصاص داده است، چنانکه می‌توان گفت پژوهش علمی و آکادمیک درباره تفاسیر و مفسران قرآن با نوشته‌های محققان غربی آغاز شد. انتشار اثر ماندگار ایگناتس گلدتسیهر (د. ۱۹۲۱)، اسلام‌شناس مجاری، با عنوان *گرایش‌های مسلمانان در تفسیر قرآن* در سال ۱۹۲۰ به زبان آلمانی – که دست‌کم دو دهه پیش از اثر ذهبی به چاپ رسید – زمینه‌ساز عمده تحقیقات نسل‌های آینده در این حوزه بود. در دهه‌های بعد، محققان غربی به فکر تکمیل و تقویت این پژوهش آغازین گلدتسیهر افتادند، که نمونه‌های شاخص آنان کسانی چون ژاک ژومیه (د. ۲۰۰۸)، یوهانس بالیون (د. ۲۰۰۱) و یوهانس یانسن (متولد ۱۹۴۲) بودند. این سه تن هر یک با تألیف کتابی مستقل به گوشه‌ای از تفسیر قرآن در دوره معاصر در مصر و شبه‌قاره پرداختند و بدین ترتیب فصل آخر کتاب گلدتسیهر را تکمیل کردند. در اوایل دهه ۱۹۸۰، اندرو ریپین، که در آن زمان استادیاری جوان بود، وضعیت مطالعات تفسیری تا آن زمان را در مقاله‌ای ترسیم کرد و در پایان مقاله از این آرمان سخن گفت که باید تألیف یا تألیفاتی را جایگزین اثر گلدتسیهر کرد. ریپین همان‌جا از برگزاری کنفرانسی در آینده خبر داد و انتشار کتاب حاصل از آن کنفرانس را گامی به سوی این آرمان خواند.^۴ در آوریل ۱۹۸۵ وعده ریپین تحقق یافت و

۳. پیش‌تر در مقاله‌ای به معرفی و دسته‌بندی آثار تفسیرپژوهی در سنت اسلامی پرداخته‌ام. بنگرید به: مهرداد عباسی، «پژوهش‌های تفسیری در جهان اسلام»، در: *دانشنامه جهان اسلام*، تهران ۱۳۸۲، ج ۷، ص ۶۶۵-۶۶۹؛ چاپ مجدد در: *تفسیر قرآن: تاریخچه، اصول، روش‌ها*، تهران: انتشارات کتاب مرجع، ۱۳۸۸، ص ۱۱۱-۱۲۳.

4. Andrew Rippin, 'The Present Status of Tafsir Studies', *The Muslim World*, 72 (1982), pp. 224-238.

کنفرانسی با عنوان «تاریخ تفسیر قرآن» به‌همت او در دانشگاه کلگری در کانادا برگزار شد و مقاله‌های ارائه‌شده در کنفرانس پس از اعمال تغییراتی زیر نظر او در سال ۱۹۸۸ در قالب مجموعه‌ای با عنوان رویکردهایی به تاریخ تفسیر قرآن^۵ در انتشارات دانشگاه آکسفورد به چاپ رسید. کتابی که پیش روی خواننده قرار دارد ترجمه‌ای از همین مجموعه مقالات است.

در مقدمه کتاب، ریپین به‌درستی می‌گوید که اثر گلدتسیهر، اگرچه در دوره خود اثری شایسته بود، در حال حاضر کافی نیست و زمانه ما به نگارش تاریخی جدید برای تفسیر قرآن نیاز دارد. او که جایگزین نهایی کار گلدتسیهر را نه یک کتاب بلکه مجموعه‌ای از رساله‌های پژوهشی می‌داند، هر یک از مقاله‌های این کتاب را قابل تبدیل به یک تک‌نگاری در حوزه تفسیرپژوهی برمی‌شمارد. از آنجاکه این کتاب زمانی منتشر شد که هنوز آثار چندانی در مطالعات تفسیری تدوین نشده بود، می‌توان مجموعه مقاله‌های کتاب را نقطه عطفی مهم در این مطالعات تلقی کرد که با تأکید و تمرکز بر مسئله‌های موجود در تفسیرپژوهی در نسل‌های بعدی محققان مطالعات قرآنی ایده‌ها و انگیزه‌هایی نو پدید آورد.

انتشار این کتاب با اقبال خوبی در محافل غربی مواجه شد، چنانکه در طی سه سال پس از انتشار آن، قریب به پانزده یادداشت کوتاه و بلند در معرفی و نقد این کتاب در نشریات ادواری به‌زبان‌های انگلیسی، فرانسه و آلمانی انتشار یافت. از جمله بررسی‌های محققانه و منصفانه کتاب می‌توان به ترتیب به یادداشت‌های جان برتن و برنارد وایس اشاره کرد.^۶ برتن در یادداشتی نسبتاً طولانی تک‌تک مقاله‌ها را مرور کرده و ویژگی‌ها و نقاط قوت و ضعف آنها را برشمرده است. وایس نیز اگرچه از مسائلی همچون عدم ارتباط برخی از مقالات کتاب با حوزه تفسیر قرآن انتقاد کرده، در مجموع، انتشار این کتاب را گامی به جلو در مطالعات اسلامی خوانده و هر مقاله آن را پژوهشی اصیل و

5. Andrew Rippin (ed.), *Approaches to the History of the Interpretation of the Qur'ān*, Oxford: Oxford University Press, 1988.

۶. به ترتیب بنگرید به:

Bulletin of the School of Oriental and African Studies 52 (1989), pp. 340-344 (by John Burton); *Journal of the American Oriental Society* 111 (1991), pp. 155-157 (by Bernard Weiss).

آموزنده در مطالعات قرآنی دانسته است. این نکته نیز گفتنی است که این کتاب در سال ۲۰۱۲ در قالب نخستین شماره از مجموعه «مطالعات اسلامی» در انتشارات گرگیاس (در ایالت نیوجرسی آمریکا) دوباره به چاپ رسید. تنها تفاوت نسخه جدید با چاپ قبلی افزوده شدن پیش‌گفتاری کوتاه به قلم ویراستار و اعمال برخی اصلاحات جزئی بوده است.

از زمان انتشار کتاب ریپین به این سو، مطالعات تفسیری، هم‌سو با جریان عمومی مطالعات اسلامی و قرآنی، طراوت و نشاط افزون‌تری یافته و به‌سوی هرچه جزئی‌تر و تخصصی‌تر شدن رفته است. در حدود سه دهه اخیر، محققان غربی کتاب‌ها و مقاله‌های فراوانی به زبان‌های مختلف اروپایی تدوین کرده‌اند که هر یک از آنها، با در نظر گرفتن محدوده‌ای معین، به دوره‌ای خاص از تاریخ تفسیر، یا به روش‌شناسی یک مفسر یا مکتب تفسیری، یا به اصول و مبانی تفسیر در میان فرقه یا گرایشی خاص در سنت اسلامی، یا به مقایسه رویکردهای گوناگون تفسیری، یا نظایر اینها اختصاص یافته‌اند. برخی از این محققان که در این باره کتابی نوشته‌اند همراه موضوع کتاب‌شان، به ترتیب سال انتشار، از این قرارند: کلود ژیلیو درباره تفسیر طبری (پاریس ۱۹۹۰)؛ میسر بارشر درباره نخستین تفاسیر شیعه امامیه (لیدن ۱۹۹۹)؛ هربرت برگ درباره تکوین و نخستین تحولات تفسیر (ریچموند ۲۰۰۰)؛ ولید صالح درباره تفسیر ابواسحاق ثعلبی (لیدن ۲۰۰۴)؛ کریستین سندز درباره تفاسیر صوفیانه (لندن ۲۰۰۶)؛ اندرو لین درباره تفسیر زمخشری (لیدن ۲۰۰۶)؛ آنابل کیلر درباره تفسیر میدی (آکسفورد ۲۰۰۶)؛ بروس فاج درباره تفسیر طبرسی (لندن ۲۰۱۱)؛ و تراویس زاده درباره نخستین ادوار تفسیر فارسی (آکسفورد ۲۰۱۲).

نسخه انگلیسی رویکردهایی به تاریخ تفسیر قرآن شامل یک مقدمه به قلم ویراستار و چهارده مقاله است که به چهار بخش کلی تقسیم شده‌اند. در اینجا، مروری کوتاه بر این بخش‌ها و توصیفی اجمالی از مقاله‌ها برای عموم خوانندگان کتاب مفید به نظر می‌رسد.

بخش نخست کتاب «شکل‌گیری و تحولات تفسیر» نام دارد که خود شامل پنج مقاله است. فرد لیمهاوس در «خاستگاه‌ها و نخستین تحولات سنت تفسیر»^۷ در پی بازسازی نخستین دوره تاریخ تفسیر است و بر اساس شواهدی در نسخه خطی تفسیر مجاهد نشان می‌دهد که تثبیت سنت تفسیر در میانه قرن دوم انجام گرفته است. وی با بررسی روایات تفسیری رسیده از مفسران قرن دوم و با توجه به پژوهش‌های پیشین در مطالعات تفسیری، می‌کوشد نمایی کلی از تاریخ تفسیر تا پیش از تفسیر طبری به دست دهد. ادوین براکت در «ارزش قرائات حفص و ورش برای تاریخ متن قرآن»^۸ با بررسی چند نمونه از اختلاف‌ها در دو قرائت حفص و ورش به این نتیجه مهم می‌رسد که این اختلاف‌ها به احتمال زیاد خاستگاه تفسیری نداشته‌اند و از این رو، صرفاً برای شناخت تاریخ متن قرآن، و نه تاریخ تفسیر، اهمیت دارند و این حکم را برای همه اختلاف‌های میان دیگر قرائات قرآن نیز صادق می‌داند. به گفته او، نقل و روایت قرآن هم از طریق شفاهی و هم از راه نسخه مکتوب صورت گرفته است و این دو در کنار هم متن قرآن را حفظ کرده‌اند. جین مک‌اولیف در «هرمنوتیک قرآن از نگاه طبری و ابن‌کثیر»^۹ در پی آن است تا بر مبنای شواهد مستقیم و غیرمستقیم در جامع البیان عن تأویل آی القرآن طبری و تفسیر القرآن العظیم ابن‌کثیر اصول و مبانی تفسیری این دو مفسر را استنباط کند. وی از طریق تحلیل گفته‌های این دو در مقدمه اثر تفسیری‌شان و نیز توضیحات آنها ذیل آیه هفتم آل‌عمران درباره محکم و متشابه، عناصری از هرمنوتیک قرآن را از نگاه این دو مفسر به دست داده و آنان را از این جهت مقایسه کرده است. مارستن اسپیت در «احادیث تفسیری در کتب سته»^{۱۰} از طریق بررسی نگاه

7. Fred Leemhuis, 'Origins and Early Development of the tafsīr Tradition', pp. 13-30.

8. Adrian Brockett, 'The Value of the Ḥafṣ and Warsh Transmissions for the Textual History of the Qur'ān', pp. 31-45.

9. Jane Dammen McAuliffe, 'Qur'ānic Hermeneutics: The Views of al-Ṭabarī and Ibn Kathīr', pp. 46-62.

10. Marston Speight, 'The Function of ḥadīth as Commentary on the Qur'ān, as Seen in the Six Authoritative Collections', pp. 63-81.

عالمان مسلمان به رابطه قرآن و سنت و نیز توصیف بخش‌های مربوط به تفسیر در کتاب‌های حدیثی شش‌گانه اهل سنت، می‌کوشد طرز تلقی مسلمانان نسبت به متون حدیثی را در پیوند با تفسیر قرآن دریابد. به گفته وی، منابع حدیثی همواره در دسترس عامه مسلمانان قرار داشته‌اند و احادیث با زبانی موجز و واضح برآورنده نیازهای مهم و عینی مسلمانان و دربردارنده تعالیم و توصیه‌هایی در مسیر اندیشیدن در قرآن و عمل به آن بوده‌اند. مئیر قسطندری در «افسانه‌ها در منابع تفسیر و حدیث: خلقت آدم و داستان‌های مرتبط»^{۱۱} از طریق توصیف نمونه‌هایی از داستان‌ها و اخبار آدم و حوا و فرزندان آنها در متون تفسیری و حدیثی کوشیده است شیوه مواجهه عالمان مسلمان با این قبیل مطالب را بنمایاند و نشان دهد که آنان چگونه این مطالب را برای پاسخ‌دهی به پرسش‌های جدی دوره خودشان سازگار کرده‌اند. به گفته او، این داستان‌ها تلقی‌هایی واگرا و گاه متناقض از رخدادها در خود دارند و جزئیات آنها می‌تواند فهم بهتری از تصورات فرقه‌های اسلامی و شناخت دقیق‌تری از مواضع دینی و سیاسی آنها فراهم کند.

بخش دوم به «گونه‌های تفسیر» اختصاص دارد و شامل سه مقاله است. دیوید پاورز در «گونه تفسیری ناسخ و منسوخ قرآن»^{۱۲} در پی فهم بهتر پدیده نسخ در سنت اسلامی است و از طریق بازخوانی منابع نسخ و بررسی برخی آیات خاص ناسخ و منسوخ می‌کوشد طرحی کلی از تطور مفهوم نسخ تا قرن سوم هجری به دست دهد و از جمله پدیده نسخ را با مسئله مهم جمع و تدوین قرآن مرتبط کند. یکی از نتایج مقاله پاورز آن است که در هر نظریه جمع قرآن باید به این نکته توجه کرد که ترتیب قرار گرفتن آیه منسوخ و آیه ناسخ آن مطابق با ترتیب زمانی نزول آنهاست و تمایل عالمان مسلمان به این بوده است که در مصحف آیات منسوخ قبل از آیات ناسخ قرار بگیرند. عیسی

11. M. J. Kister, 'Legends in tafsīr and ḥadīth Literature: The Creation of Ādam and Related Stories', pp. 82-114.

12. David S. Powers, 'The Exegetical Genre nāsikh al-Qur'ān wa mansūkhuhu', pp. 117-138.

بلاطه در «تفسیر بلاغی قرآن: اعجاز و موضوعات مرتبط»^{۱۳} ضمن مروری تاریخی بر مهم‌ترین متون و نظریه‌های اعجاز قرآن، زمخشری را موفق‌ترین مفسر از جهت به‌کارگیری بلاغت در فهم متن قرآن و تبیین اعجاز و زیبایی اسلوب آن دیده و از میان نظریه‌پردازان جدید اعجاز قرآن بیش‌ازهمه به بنت‌الشاطی و سید قطب توجه کرده است. بلاطه همچنین از رویکرد برخی محققان غربی به اعجاز قرآن انتقاد کرده و گفته است که برای فهم بهتر نظریه اعجاز و درک عمیق کارکرد آن در اعتقاد اسلامی باید قرآن را فی‌نفسه و به‌مثابه سند اساسی جامعه مسلمانان مطالعه کرد. اندرو ریپین در «متون واژه‌نگاری و قرآن»^{۱۴} بر مبنای پژوهش استادش ونزبرو به بررسی سه گونه از متون واژه‌نگاری قرآنی یعنی غریب‌القرآن، وجوه‌القرآن و مشتبهات پرداخته و کوشیده است با استفاده از الگویی مدرن در گونه‌شناسی واژه‌نامه‌ها به معیارهایی کارآمد برای دسته‌بندی این متون دست یابد. به‌نظر ریپین، بسیاری از این متون در مقایسه با واژه‌نامه‌های امروزی کارکردی متفاوت دارند و عمدتاً ابزاری تفسیری و توضیحی در خدمت تبیین انسجام و یکپارچگی متن قرآن بوده‌اند.

بخش سوم با عنوان «فرقه‌ها و تفسیر» حاوی سه مقاله است. محمود ایوب در «قرآن ناطق و قرآن صامت: پژوهشی در اصول و تحولات تفسیر شیعه امامیه»^{۱۵} با تبیین تلقی شیعیان از امام در پیوند با وحی و مروری گذرا بر تاریخ تحولات تفسیر شیعی در پی آن است تا طرحی کلی از اصول تفسیر نزد شیعه امامیه به دست دهد. ایوب با استناد به متون قدیم و جدید تفسیری شیعه توضیحات مفسران مشهور امامی را درباره آیه تبلیغ گزارش کرده و در پایان به این نتیجه رسیده است که تفسیر شیعی جریانی مستمر و بی‌انتهای و گره‌خورده با شرایط زندگی اجتماعی و سیاسی جامعه دینی بوده است و

13. Issa J. Boullata, 'The Rhetorical Interpretation of the Qur'ān: I'jāz and Related Topics', pp. 139-157.

14. Andrew Rippin, 'Lexicographical Texts and the Qur'ān', pp. 158-174.

15. Mahmoud Ayoub, 'The Speaking Qur'ān and the Silent Qur'ān: A Study of the Principles and Development of Imāmī Shi'ī tafsīr', pp. 177-198.

فرجام حقیقی آن نه با نگارش تفسیر بلکه با ظهور امام غایب تحقق می‌یابد. اسماعیل پوناوالا در «تأویل قرآن از نگاه اسماعیلیه»^{۱۶} از طریق بررسی سه متن کهن از نویسندگان مشهور اسماعیلی، از جمله قاضی نعمان، به جایگاه تأویل در نظام فکری اسماعیلیه و نیز تبیین اصول کلی تأویل قرآن پرداخته است. به گفته او، نظام فکری اسماعیلیان ترکیبی جدید از عقل و وحی را نمایندگی می‌کرد که بر آموزه‌های شیعی و نوافلاطونی مبتنی بود و جایگاه والای تأویل نزد آنان حاصل، به گفته هانری کربن، تنش میان شریعت و حقیقت بود که به باطن‌گرایی و هرمنوتیک معنوی قرآن انجامید. تد لاوسن در «تفسیر به‌مثابه وحی: تفسیر قرآن سید علی محمد باب»^{۱۷} ضمن مروری بر زندگی باب و تعالیم شیخیه، به تحلیل آثار تفسیری باب، به‌ویژه تفسیر او بر دو سوره بقره و یوسف، می‌پردازد.

چهارمین و آخرین بخش با عنوان «گرایش‌های جدید در تفسیر» شامل سه مقاله است. آنتونی جونز در «تفسیر قرآن در دنیای مالایی‌زبان: ترسیم نمایی کلی»^{۱۸} گزارشی تاریخی از تفسیر قرآن در اندونزی از آغاز تا دوره جدید عرضه می‌کند. فردریک دنی در «آموزش قرائت قرآن در اندونزی: بررسی زمینه‌ها و کتاب‌های راهنما»^{۱۹} گزارشی توصیفی از فرآیند آموزش قرائت و تجوید قرآن در اندونزی و کتاب‌های رایج مرتبط با آنها به دست می‌دهد. چارلز آدامز در «تفهیم القرآن ابوالاعلی مودودی»^{۲۰} با بررسی مقدمه تفسیر مودودی، که اصل آن به زبان اردو نوشته شده، به تبیین آرای او درباره مباحث مهم علوم قرآنی پرداخته و کوشیده است تا از طریق خوانش متن این تفسیر مشخصه‌های اصلی آن، از جمله جایگاه فقه و حدیث در این تفسیر، را توضیح دهد. به گفته آدامز، موضوع محوری در تفسیر مودودی مباحث اعتقادی و

16. Ismail K. Poonawawla, 'Ismā'īlī ta'wīl of the Qur'ān', pp. 199-222.

17. Todd Lawson, 'Interpretation as Revelation: The Qur'ān Commentary of Sayyid Alī Muḥammad Shīrāzī, the Bāb (1819-1850)', pp. 223-253.

18. Anthony Johns, 'Qur'ānic Exegesis in the Malay World: In Search of a Profile', pp. 257-287.

19. Fredrick M. Denny, 'Qur'ān Recitation Training in Indonesia: A Survey of Contexts and Handbooks', pp. 288-306.

20. Charles Adams, 'Abū 1-A'la Mawdūdī's Tafhīm al-Qur'ān', pp. 307-323.

اخلاقی است و بر خلاف آنچه انتظار می‌رود، گرایش سیاسی خاصی در این تفسیر دیده نمی‌شود و مسائل صرفاً سیاسی در درجه دوم اهمیت قرار دارند.

۴

ترجمه فارسی رویکردهایی به تاریخ تفسیر قرآن حاوی یک مقدمه و یازده مقاله به‌عنوان شماره پنجم مجموعه «مطالعات قرآن و حدیث» تقدیم خوانندگان می‌شود. در نسخه فارسی کتاب، از مجموع چهارده مقاله انگلیسی، سه مقاله (از بخش‌های سوم و چهارم) به دلایل مختلف حذف شده‌اند. گذشته از مقاله لاوسن درباره تفسیر علی محمد باب که به سبب برخی ملاحظات فرهنگی و اجتماعی از برنامه ترجمه کنار گذاشته شد، دو مقاله جونز و دنی درباره وضعیت تفسیر و قرائت قرآن در اندونزی عمدتاً به این دلیل حذف شدند که ترجمه آنها، با توجه به نیازهای پژوهشی مطالعات قرآنی امروز جامعه ما، در اولویت برنامه این مجموعه قرار نمی‌گرفت و دست‌کم در این سال‌ها امری کم‌فایده به نظر می‌رسید.^{۲۱}

مقالات کتاب حاضر، در مجموع، کاوشی است در جنبه‌های گوناگون تفسیر قرآن و کشف ظرفیت‌های هر یک از این جنبه‌ها برای پژوهش آکادمیک. هر مقاله در پی معرفی و تحلیل جنبه‌ای از اصول و مبانی، روش‌ها و گرایش‌ها، متون و منابع، سؤال‌ها و مسئله‌ها در حوزه پژوهشی تفسیر قرآن است. نویسندگان مقاله‌ها از استادان و صاحب‌نظران مشهور در مطالعات اسلامی و قرآنی در دانشگاه‌های معتبر غربی‌اند که هر یک مقاله‌ای مرتبط با حوزه تخصصی‌شان عرضه کرده‌اند. توضیحات مختصری درباره سوابق علمی هر یک از نویسندگان در بخش بعدی کتاب آمده است.

در ترجمه فارسی مقالات، اصل بر رعایت امانت و حفظ اصالت متن انگلیسی بوده است. از این رو، حتی الامکان از درج توضیحات در متن مقالات و

۲۱. برای آگاهی از وضعیت کلی تفسیر و علوم قرآنی در مالزی و اندونزی بنگرید به: مدخل «مطالعات قرآنی در آسیای جنوب شرقی»، در: جین مک‌اولیف (سرپرستار)، *دائرة المعارف قرآن*، تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۹۲-، ج ۵ (در دست انتشار).

افزودن تعلیقات در پانویس‌ها، مگر در مواردی کم‌شمار، اجتناب شده است. همچنین گاهی در مواردی اندک، در جایی که نویسندگانی از قرآن و منابع اسلامی نقل قول کرده، برای کمک به روان‌تر شدن فارسی مقاله، ترجمه مستقیم از متن عربی، به جای ترجمه با واسطه از متن انگلیسی، ترجیح داده شده است. مترجمان مجموعه همگی از محققان و فعالان عرصه مطالعات اسلامی‌اند. ترجمه همه مقاله‌ها به درخواست ویراستار و برای درج در این کتاب انجام شده است، جز مقاله دهم که پیش‌تر در نشریه‌ای منتشر شده بود و با اعمال تغییراتی در کتاب حاضر جای گرفت. در فرآیند ویرایش کتاب، علاوه بر مقابله ترجمه‌ها با متن انگلیسی، عمده کار ویراستار همگون‌سازی زبانی و ویرایشی متن مقالات و یادداشت‌های پایانی آنها بوده است. به‌رغم تعدد نویسندگان و مترجمان مجموعه و در نتیجه تنوع و گونه‌گونی سبک نگارشی آنها، کوشیده‌ام تا در عین حفظ اصالت و رعایت امانت، فارسی مقاله‌ها یکدست و روان و برای مخاطب عام خوشایند و خوشخوان باشد.

پیش‌گفتار کتاب را با ذکر نام کسانی به پایان می‌برم که هر یک در شکل‌گیری و بهبود آن سهمی داشتند: اندرو ریپین، که به پرسش‌هایم درباره برخی ابهامات در متن انگلیسی پاسخ داد و یادداشتی ویژه خوانندگان ایرانی نوشت؛ نصرت نیل‌ساز، که نسخه پیش از انتشار را به‌دقت خواند و نکاتی مهم و مفید را تذکر داد؛ امیر مازیار، که نسخه نهایی را از نظر گذراند و پیشنهادهای خوبی مطرح کرد؛ حسین خندق‌آبادی، که این بار هم از مشورت‌های دوستانه‌اش در کار نشر کتاب بهره‌مند بودم؛ عارفه خندق‌آبادی، که نمایه کتاب را سامان داد؛ محمدحسین غفاری، مدیر انتشارات حکمت، و همکاران او، به‌ویژه بتول زرکننده و الهام علیخانی، که زمینه نشر مطلوب کتاب را فراهم کردند؛ و در پایان، لیلا ذوالقدری، همسرم، که همچون همیشه، در مسیر آماده‌سازی کتاب، خستگی‌هایم را فهمید و بی‌تابی‌هایم را تاب آورد.

مهرداد عباسی

فروردین ۱۳۹۴

یادداشت ویراستار انگلیسی برای خواننده ایرانی

مقالات گردآمده در کتاب رویکردهایی به تاریخ تفسیر قرآن با وجود گذشت زمانی نسبتاً طولانی اهمیت و جایگاه خود را حفظ کرده‌اند و در محافل پژوهشی همچنان ارزشمند تلقی می‌شوند. ترجمه فارسی این کتاب گواهی بر این واقعیت است و از مهرداد عباسی بسیار سپاسگزارم که مقالات این کتاب را در دسترس خوانندگان و علاقه‌مندان خارج از دنیای انگلیسی‌زبان قرار داد. تحول واقعی در حوزه مطالعات قرآن و تفسیر تنها زمانی رخ خواهد داد که محققان سراسر جهان با علایق و دغدغه‌هایی مشترک به‌نحو فزاینده‌ای به گفتگو و تبادل نظر پردازند؛ ترجمه کتاب‌ها و مقاله‌های تحقیقی جدید از زبان‌های اروپایی به زبان فارسی و از زبان فارسی به زبان‌های اروپایی در ایجاد این گفتگوهای پردامنه میان محققان امری ضروری و اساسی است.

در زمان برگزاری کنفرانس منتهی به انتشار این کتاب، در آوریل ۱۹۸۵ (درست سی سال پیش)، حوزه مطالعات تفسیری دوران طفولیت خود را سپری می‌کرد. چند سال پیش از آن، در مقاله‌ای که در کنفرانس بین‌المللی دهلی نو درباره «وضعیت کنونی مطالعات تفسیری» ارائه کرده بودم، در حجمی تقریباً ده صفحه‌ای حدود دویست عنوان اثر منتشرشده در حوزه مطالعات تفسیری را برشمردم. از آن زمان به این سو، این حوزه پژوهشی به‌صورت نمایی رشد کرده است، به‌نحوی که تدوین کتاب‌شناسی جامع برای این موضوع در حال حاضر پروژه‌ای با حجمی در حدود یک کتاب خواهد شد. اما حتی با وجود گرایش فزاینده محققان به این حوزه پژوهشی، تنها معدودی کتاب به

زبان‌های اروپایی می‌توان برشمرد که از حیث گستره جنبه‌های مختلف این حوزه و نیز تعیین مسیر مطالعات آینده با کتاب رویکردهایی به تاریخ تفسیر قرآن برابری کنند.

مطالعه آکادمیک تفسیر قرآن، که این کتاب نقش مهمی در آن ایفا کرده، اخیراً با انتقاد کسانی روبه‌رو شده است که این نوع توجه به تفسیر را موجب دوری محققان از مواجهه مستقیم و بی‌واسطه با قرآن تلقی می‌کنند. در اینجا نیازی به بررسی صحت و سقم این ادعا نیست، زیرا شواهد فراهم‌آمده در همین کتاب پیش رو خود بهترین پاسخ به این ادعا است: درباره تاریخ تفسیر قرآن خیلی چیزها را نمی‌دانیم و مطالب شکل‌دهنده این تاریخ شگفت‌انگیزند. همین تغییر و تحولات پدیدآمده در مطالعه علمی تفسیر موجب پیشرفت و غنای رشته آکادمیک مطالعات قرآنی شده است.

امیدوارم خوانندگان ایرانی دریابند که مقالات این کتاب حاکی از ظهور دوره‌ای جدید در تحقیقات غربیان درباره اسلام است که در پی مشارکت در فهم تاریخ و درک عمق و گستره تعالیم اسلامی از گذشته تا به امروز است. به‌رغم اختلاف در پیش‌فرض‌های نویسندگان مقالات، که بی‌تردید ناشی از تفاوت زمینه‌های علمی و فرهنگی آنهاست، امیدوارم که خوانندگان کتاب حاضر توجه داشته باشند که نتایج پژوهش‌های همه نویسندگان بصیرت‌هایی مهم و ارزشمند برای مطالعه اسلام و به‌ویژه تفسیر قرآن فراهم می‌آورند.

اندرو ریپین

آوریل ۲۰۱۵